

## نقش دانشجویان ایرانی و مطبوعات فارسی زبان آلمان در روابط ایران و آلمان در عصر رضاشاه

ابوالفتح مؤمن

روابط سیاسی ایران و آلمان بعد از جنگ جهانی اول و شکست آلمان از دول محور به سردی گراییده بود و چندان حائز اهمیت نبود؛ اما با به قدرت رسیدن رضاشاه و پایان سلطنت قاجار، این روابط وارد دوره جدیدی شد هر چند که در ابتدای کار دشواریهایی وجود داشت؛ از جمله، لیست سیاهی که انگلیسیان در طی جنگ جهانی اول از کارمندان آلمانی در ایران تهیه کرده و مخالف ورود و اقامت این افراد به ایران بودند. اما بعداً با تلاش دولت آلمان و کمک گروهی از نمایندگان عضو حزب دمکرات<sup>۱</sup> قدیم در مجلس شورای ملی ایران و با توافق ضمنی انگلستان این لیست اعتبار خود را از دست داد. بدین ترتیب ایران و آلمان در این زمان یک دوره از روابط سیاسی و اقتصادی نوینی را شروع کردند و این روابط در دو مقطع کاملاً متفاوت دنبال شد: مرحله اول در دوره جمهوری وایمار و هیندنبورگ، و دوره دوم در زمان هیتلر. روابط این دو کشور در مرحله اول با وجود ارتباطات سیاسی، اقتصادی و صنعتی گسترده در بعضی از برهه‌های خاص دچار مشکلات و تیرگیهایی شد که تا مرز قطع این روابط پیش رفت. این مشکل ناشی از فعالیت دانشجویان اعزامی ایران به آلمان بود که با گرایشهای کمونیستی و انتشار مجلاتی با رویه و مرام اشتراکی و انتقادات شدید از حکومت رضاشاه، در واقع، مسبب اصلی این بحران در دوره اول بودند. در این مقاله کوتاه سعی شده که با استفاده از

۱. از بدو تشکیل مجلس شورای ملی در ایران، مخصوصاً از مجلس دوم به بعد، نمایندگان به دو گروه کاملاً مشخص تندرو و محافظه‌کار و یا دمکرات و میانه‌رو تقسیم شدند. دمکراتها دارای افکار تند انقلابی و خواهان اصلاحات سریع و فوری در جامعه بودند. عده‌ای از آنان در طی جنگ جهانی اول از آلمان حمایت می‌کردند و بعد از جنگ نیز خواستار برقراری روابط سیاسی و غیره با آن کشور بودند.

اسناد بکر و منتشر نشده به موضوع فوق پرداخته شود و زوایای تاریک این رویداد روشن گردد.

### فعالیت دانشجویان اعزامی ایران به آلمان

بخشی از نیروهایی که طی دهها سال در مقامات بالای کشوری و لشکری رژیم پهلوی اشتغال داشتند از جمله آنهایی بودند که در سالهای پس از جنگ جهانی اول تحصیلات خود را در اروپا گذرانده بودند. در سال ۱۹۱۸ میلادی نزدیک به دوست دانشجو در فرانسه، سی و چهار نفر در انگلستان و نه نفر در آلمان مشغول تحصیل بودند. دولت آلمان تمایل داشت که دانشجویان ایرانی بیشتری برای تحصیل به آلمان بیایند؛ بنابراین، دولت آلمان تشکلی به نام «کمیته مواظبت محصلان ایرانی، در برلین تأسیس کرد.<sup>۲</sup> و از طرف دیگر، مجله کاوه در دوره جدید خود، به فعالیت پیگیری در این زمینه پرداخت و در نتیجه فعالیت کمیته مزبور در مدت دو سال، شمار محصلان ایرانی در آلمان به شش برابر افزایش یافت یعنی از بیست نفر به یکصد و بیست نفر رسید.<sup>۳</sup> از نظر مالی، دانشجویان ایرانی که در این ایام در اروپا تحصیل می‌کردند عمدتاً با هزینه خانوادگی خود به اروپا اعزام شده بودند. در چنین اوضاع و احوالی بود که هیئت حاکمه ایران پس از ادغام نیروهای مسلح کشور از جمله ژاندارمری و بریگاد قزاق تصمیم گرفت که جهت تربیت کارشناسان فن نظامیگری، افرادی را به دانشگاههای اروپا اعزام کند و در این راستا مجلس شورای ملی با اعزام شصت نفر دانشجو به اروپا موافقت کرد. بعد، در سال تحصیلی ۱۳۰۲-۱۳۰۱ ه.ش، بر مبنای مصوبه مجلس چهارم، شصت نفر دانشجو به اروپا اعزام شدند و سپس در سال ۱۳۰۸ ه.ش با تصویب مجلس عده‌ای از دانشجویان ایرانی جهت تأمین کادر فنی و علمی کشور به اروپا اعزام شدند. قبل از اعزام آنان، رضاشاه در اجتماع آنها چنین گفت:

به ببینید، آقایان، فرض می‌کنیم من و شما نسبت به همدیگر وظایفی داریم. درست شد؟ وظیفه من مراقبت از شماهاست و وظایف شما اندوختن دانش. این را بدانید تا من هستم برای تأمین سعادت شماها می‌کوشم و دقیقه‌ای از فکر شما غافل نمی‌مانم؛ شماها هم بایستی به خاطر داشته باشید که نیاکان ما با افتخار زیسته‌اند و شما نیز بایستی چنانکه شایسته است کشور خود ایران را به دنیا بشناسانید و آنقدر در خارج خوب رفتار بکنید که به خاطر وجود شماها که باشد مردم اروپا نام ایران را

۲. مجله کاوه، شماره ۴-۵، دوره جدید، ۲۱ مه ۱۹۲۰، ص ۱۱.

۳. مجله ایرانشهر، شماره ۷، ۲۰ دسامبر ۱۹۲۲، ص ۱۵۳.

از یاد نبرند.<sup>۴</sup>

همچنین به منظور تربیت کادر متخصص مورد نیاز راه آهن، فارغ التحصیلان «مدرسه صنعتی ایران و آلمان» همراه با عده‌ای از دیپلمه‌های دبیرستان به آلمان اعزام شدند.<sup>۵</sup> جریان فکری - فرهنگی - اجتماعی حاکم بر جامعه روشنفکری ایرانیان آن روز در برلین، برای جوانان تازه رسیده به اروپا جاذبه زیادی داشت. این گروه از دانشجویان دولتی در مدت نسبتاً کوتاهی بعد از ورود جمعیت محصلان ایرانی به نام «امید ایران» را در آلمان تأسیس کردند. این جمعیت در اردیبهشت ۱۳۰۳ ه.ش مجله به نام نامه فرنگستان در برلین منتشر کرد و ضمن مقاله‌ای که در نخستین شماره مجله مزبور چاپ شد، دیدگاه‌های خود را تحت عنوان «ما چه می‌خواهیم» چنین بیان کرد: «ما می‌خواهیم با حفظ مزایای اخلاق ذاتی ایران این سخن بزرگ را به کار بندیم: ایران باید روحاً و جسماً، ظاهراً و باطناً فرنگی مآب شود.»<sup>۶</sup>

در فضای فکری آن روز جامعه دانشجویان و روشنفکران ایرانی در اروپا، سازمان سیاسی نوینی در پاییز سال ۱۳۰۴ ه.ش با شعار دفاع از آرمانهای آزادیخواهان انقلاب مشروطیت و جمهوری ملی به نام فرقه جمهوری انقلابی ایران در برلین (به طور غیرعلنی) تأسیس نمودند. تقی ارانی یکی از پایه‌گذاران و فعالان این جریان بود که در میان گروه شصت نفری دانشجویان از سوی دولت ایران به اروپا اعزام شد. وی پس از ورود به آلمان مدت دو سال یکی از فعالان گروه ناسیونالیستهای افراطی به شمار می‌آمد و با مجله ایرانشهر و نامه فرنگستان نیز همکاری داشت.<sup>۷</sup>

از سوی دیگر، محمدعلی جمالزاده سرپرست امور دانشجویان ایرانی در آلمان در آن ایام با نشریه فرنگستان همکاری داشت، چنانکه ایرج افشار درباره همکاری او با این نشریه می‌نویسد: «مجله فرنگستان به نیروی قلمی مشفق کاظمی و جمالزاده و احمد فرهاد در برلین انتشار یافت.»<sup>۸</sup>

دکتر تقی ارانی در آن ایام با یکی از دانشجویان فعال سیاسی به نام احمد اسدی (اسداف) که در رشته اقتصاد و تجارت در دانشگاه برلین تحصیل می‌کرد دوست شد.

۴. مهدی فرخ، خاطرات سیاسی فرخ، به کوشش پرویز لوشانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۷، ص ۲۷۴.

۵. محمدرضا خلیلی خو، توسعه و نوسازی ایران در زمان رضاشاه، تهران، جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸.

۶. حمید احمدی، تاریخچه فرقه جمهوری انقلابی ایران و «گروه ارانی»، ۱۳۰۶-۱۳۰۴، برلین، جامعه پژوهشهای اجتماعی ایران در برلین، چاپ مرتضوی، ۱۳۷۱، ص ۴.

۷. همان منبع، ص ۶.

۸. نگاه کنید به: مجله آینده، شماره‌های ۵-۸، سال شانزدهم، تهران، مرداد و ابان ۱۳۶۹.

ارانی از طریق احمد اسدی با دانشجوی فعال دیگری به نام مرتضی علوی که در رشته اقتصاد دانشگاه برلین تحصیل می‌کرد روابط دوستی برقرار کرد.<sup>۹</sup> این دو دانشجوی با هزینه شخصی در آلمان تحصیل می‌کردند و نزدیک به دو سال قبل از ارانی به آلمان آمده بودند. مناسبات دوستی فکری این سه دانشجو در برلین به فعالیت سیاسی حادی انجامید که پایه‌گذاری «فرقه جمهوری انقلابی ایران» نتیجه آن بود.

پس از خلع احمدشاه و ایجاد حکومت موقت، هسته مرکزی فرقه جمهوری انقلابی ایران در اواخر آذر ۱۳۰۴ ه.ش بیانیه‌ای خطاب به ملت ایران منتشر کرد. هدف و دیدگاه نظری - سیاسی بیانیه، دفاع از آزادی و استقرار حکومت جمهوری ملی در ایران بود. در بخشی از این بیانیه آمده بود:

ملت ایران! وقتی که از راه دور به این سرزمین پراز بدبختی و فلاکت نگاه می‌کنیم چند میلیون مردم اسیر به نظر ما می‌رسد که همه گرفتار فقر و فلاکت و همه اسیر پنجه چپاول و غارتگری هستند. تاجر و کاسب ایران، دهقان و زارع ایران و آن اردوهای بزرگی که از هستی ساقط شده در کوچه و بازار به گدایی مشغول‌اند همه اینها در زیر شکنجه و ظلم جان می‌دهند... چطور می‌شود حکومت ملی دایر کرد؟ هزاران قلب شجاع در این فکر و در این خیال در حال ضریان است وقتی که شخصی با عزت [؟] به این جمله مقدس فکر می‌کند قربانیهای رشید ایران را در نظر می‌آورد که برای آزادی ایران و خلاصی ملت از دست این طبقه ظالم جنگیده‌اند و مانند ملک‌المتکلمین، عباس آقا، کوچک خان، خیابانی، کلنل محمدتقی خان و هزاران مرد بزرگ دیگر جان و هستی خود را قربانی کرده‌اند. راست است، ملت ایران باید خیلی از این قربانیها را در آستانه آزادی تقدیم کنند... به ملت ایران سلام! به آزادیخواهان ایران سلام! به جهانگیر خان و محمدتقی خان سلام!<sup>۱۰</sup>

با انتشار این بیانیه، رئیس پلیس برلین اعلام موجودیت فرقه جمهوری انقلابی ایران را به وزارت داخله پروس گزارش داد و این موضوع نیز در گزارش عمومی وزارت داخله آلمان به وزارت خارجه آن کشور مبنی بر سوابق فعالیت مخالفان ایرانی در آلمان، منعکس شد.

فرقه جمهوری انقلابی ایران در روز تاجگذاری رضاشاه تجمعی به منظور اعتراض به رژیم ایران برگزار کرد. در این تجمع اعتراضی درباره اوضاع جامعه ایران و سیاستهای

۹. ایرج اسکندری. خاطرات سیاسی. تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۷۲. ص ۵۱۹.  
 ۱۰. استاد تاریخی جیش سوسال دمکراسی و کمونیستی در ایران. به کوشش خسرو شاکری. تهران، انتشارات علم، ۱۳۵۸. ج ۶، ص ۱۳۷-۱۳۸.

رژیم حاکم برای حاضران سخنرانیهایی همراه با توضیحاتی به زبان آلمانی، ایراد شد، و احمد اسدی، به عنوان یکی از فعالترین اعضای فرقه جمهوری انقلابی ایران، مورد شناسایی پلیس برلین قرار گرفت.<sup>۱۱</sup>

فرقه جمهوری انقلابی ایران با ورود تیمورتاش وزیر دربار رضاشاه، به برلین اعلامیه‌ای در اعتراض به دیکتاتوری حاکم بر ایران و شخص تیمورتاش انتشار داد. پخش این اعلامیه در روز ورود تیمورتاش به برلین، برای دولت آلمان حالت غافلگیرانه داشت، و بنابراین، فعالیت مخالفان ایران در آلمان نامطلوب ارزیابی شد. در این باره ایرج اسکندری در خاطرات سیاسی خود می‌نویسد:

وقتی تیمورتاش در مسافرت به اروپا به فرانسه آمده بود، اعلامیه‌ای علیه او از طرف همین سازمان ما [فرقه جمهوری انقلابی ایران] که در آلمان بوده تنظیم شده بود که به وسیله من در فرانسه انتشار پیدا کرد و سفارت ایران، که سخت به تکاپو افتاده بود، پی برد که انتشار آن از طرف من صورت گرفته است. سفارت ایران و اداره سرپرستی گزارشی علیه من به ایران فرستاد؛ به همین دلیل هم وقتی تیمورتاش به ایران بازگشت به وزارت دارایی دستور داد که حقوق شخصی مرا که مستمری برای تحصیل من بود قطع کردند و این وضع تا مراجعت من به ایران ادامه داشت.<sup>۱۲</sup>

بار دیگر فرقه جمهوری انقلابی ایران در پاییز ۱۳۰۶ ه.ش جزوه‌ای به نام بیان حق انتشار داده و آن را در داخل و خارج کشور توزیع کرد و این جزوه به زبان فرانسه ترجمه و برای جراید و احزاب سیاسی فرستاده شد. انتشار چنین جزوه‌ای با واکنش سریع دولت ایران مواجه گردید به طوری که تیمورتاش، وزیر دربار، سفیر آلمان در ایران را فراخواند و خواستار پیگرد قضایی نویسندگان این جزوه در آن کشور شد. از طرف دیگر، تمام تلاش دولت آلمان بر آن بود که به مناسبات و قراردادهای اقتصادی این کشور با ایران لطمه‌ای وارد نیاید. در پی اعتراض دولت ایران، وزارت امور خارجه به کمیساریای عمومی مأموریت داد تا نیروهای سیاسی مخالف ایران در آلمان را تحت نظر بگیرد.<sup>۱۳</sup> درباره فعالیت‌های دانشجویان ایرانی در آلمان انور خامه‌ای نویسنده کتاب پنجاه نفر و سه نفر می‌نویسد:

بودجه‌های هنگفتی از طرف شوروی به نام کمیترین (بین‌الملل کمونیست) صرف تبلیغ در آلمان و فرانسه و کشورهای دیگر می‌شد و طبیعی است دانشجویان ایرانی کشورها نیز آماج این تبلیغات قرار می‌گرفتند و به سوی کمونیسم جذب

۱۱. حمید احمدی، همان منبع، ص ۱۰. ۱۲. ایرج اسکندری، خاطرات سیاسی، ص ۵۱.

۱۳. مجله آینده، شماره ۵-۸، مرداد و آبان ۱۳۷۰، ص ۵۲۴.

می‌شدند... آن روزها که ارانی جوان و دانشجویان ایرانی دیگری مانند او در دام این تبلیغات می‌افتادند بسیار دشوار بود که حقایق را فهمید. تبلیغات مزبور ظاهری آراسته داشتند. و از طرف دیگر، دیکتاتوری رضاشاه محیط اختناق‌ی را به وجود آورده بود؛ مهم‌تر از آن اینکه راه دیگری برای مبارزه (راه صحیح مبارزه علیه استبداد) هنوز در ایران وجود نداشت و دانشجویان مزبور ناگزیر این تبلیغات را می‌پذیرفتند.<sup>۱۴</sup>

اما حمید احمدی نویسنده تاریخچه فرقه جمهوری انقلابی ایران و گروه ارانی مدعی است که انور خامه‌ای از ماهیت جریان زندگی فکری و سیاسی دکتر ارانی و یاران او در ارتباط با فرقه مذکور اطلاعی نداشته است. احمدی اظهار می‌دارد که جز دکتر محمد بهرامی، که در آن سالها در اروپا عضو حزب کمونیست آلمان شده بود و از آن طریق به کمیتن وصل گردید، نمونه دیگری تا امروز نشان داده نشده که در میان دانشجویان ایرانی در آن سالها در اروپا کسی عضو حزب کمونیست شده باشد. اما واقعیت امر این است که با توجه به اسناد و پخش نشریه پیکار در ترکستان و دیگر مناطق شوروی این پیوند و ارتباط روشن می‌شود هر چند که شاید بعضی از فعالان، عضو حزب کمونیست شوروی نباشند، ولی سرنوشت علوی و زندگی او در شوروی این امر را ثابت می‌کند که به عللی حزب کمونیست از دانشجویان ایرانی نهایت استفاده را می‌نموده است. پس از این وقایع بود که با اعزام اولین گروه دانشجویان از سوی دولت در دوران رژیم رضاشاه (۱۲ مهر ۱۳۰۷، ۱۲۰ نفر) حساسیت حکومت به فعالیت فرقه جمهوری انقلابی شدت بیشتری پیدا کرد به طوری که مدتی بعد از اعزام دانشجویان به اروپا، رئیس دفتر رضاشاه (بهرامی) با سمت مسئول امور دانشجویی به آلمان فرستاده شد و نظر به تمرکز فعالیت فرقه جمهوری انقلابی ایران در آلمان کمترین سهمیه دانشجو (۸ نفر) برای این کشور در نظر گرفته شد. دو هفته قبل از ورود دانشجویان به اروپا، سفیر ایران در آلمان رسماً از وزارت امور خارجه آلمان درخواست اخراج احمد اسدی را از آن کشور نمود؛ بنابراین، پلیس پروس تحت فشار وزارت خارجه کشورش در نوامبر ۱۹۲۸ م/ ۱۳۰۷ ه.ش حکم اخراج احمد اسدی را از قلمرو دولت آلمان صادر کرد. تقی ارانی مسئول اتحادیه دانشجویان ایرانی در برلین برای لغو حکم صادر شده به دیدار رودلف برایت شاید، نماینده سوسیال دمکراتها در پارلمان آلمان، رفت و نامه اعتراض‌آمیز اتحادیه دانشجویان را به وی داد و از او خواست در این مورد تلاش کند. برایت شاید در نشریه

۱۴. انور خامه‌ای، پنجاه نفر و سه نفر (خاطرات دکتر انور خامه‌ای)، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۲، ص ۲۶-۲۸.



خلیل ملکی از سران حزب توده | ۱۹۰۲-۱۴

فردوس ارگان حزب سوسیال دمکرات، در تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۱۷م/ ۲۹ آذر ۱۳۵۷ه.ش مقاله‌ای اعتراضی و انتقادی نسبت به تصمیم دولت آلمان درباره اخراج اسدی نوشت و تقاضا نمود که جریان احمد اسدی بررسی و دلایل اخراج او اعلام شود. وی خاطرنشان ساخت که احمد اسدی از فعالان فرقه جمهوری انقلابی ایران است و فعالیتهای سیاسی او جنبه ضددولتی نداشته است<sup>۱۵</sup> با همه این فعالیتهای سرانجام، اسدی از آلمان اخراج شد. با اخراج اسدی، که از افراد فعال حزب در آن زمان بود، طبعاً فعالیت سیاسی با توجه به حساسیت خاص رژیم ایران و آلمان برای مرتضی علوی و تقی ارانی دشوارتر گردید ولی با همه این مشکلات فعالیتهای آنان ادامه پیدا کرد. در این ایام ارانی با خلیل

۱۵. حمید احمدی. همان منبع، صص ۲۸-۲۹.

ملکی، یکی دیگر از دانشجویان اعزامی سال ۱۳۰۷ ه.ش، آشنا شد و این آشنایی باعث نزدیکی فکری - سیاسی آن دو گردید به طوری که خلیل ملکی بعداً در شمار گروه پنجاه و سه نفر ایرانی در آمد.

این بود شمه‌ای از فعالیت دانشجویان ایرانی در آلمان که البته در بحث بعدی به فعالیت مطبوعاتی آنان نیز پرداخته می‌شود. لازم است یادآوری شود که علاوه بر افراد یاد شده کسان دیگری چون احمد وثوق و ابوالقاسم وثوق در رشته‌های مهندسی در آلمان مشغول تحصیل بودند.<sup>۱۶</sup> مورد دیگر، محمدعلی سیاوش می‌باشد که مجله ایران‌شهر درباره او می‌نویسد: «محمدعلی سیاوش در مدرسه عالی فلاحی آلمان دیپلم گرفته و مظهر تمجید و ستایش هیئت مدیره مدرسه گردید و مدتی هم در عملیات زراعتی و استعمال ماشینها در فابریکها کار کرده است و چندی در برلین منتظر است که او را به ایران دعوت کنند.<sup>۱۷</sup>»، مجله مذکور مدعی است که فارغ‌التحصیلان از کشور آلمان از تشویق و معاونت حکومت ایران و معارف‌پروران محروم می‌ماندند و مجبور می‌شدند در اینجاها کاری برای خود پیدا کنند و کم‌کم از رفتن به مملکت خود منصرف شده در ممالک خارجه رحل اقامت بیندازند.

در نهایت، می‌توان گفت که تمام دانشجویان اعزامی به آلمان درگیر مسائل سیاسی مربوط به مخالفت با رژیم پهلوی نبودند و اگر هم فعالیتی داشتند چندان پررنگ و چشمگیر نبود به طوری که بعضی از آنان پس از بازگشت به ایران به مقامات بالایی رسیدند؛ از آن جمله می‌توان از مشفق کاظمی و پرویز کاظمی نام برد.

### مجله پیکار و دیگر نشریات فارسی زبان آلمان

به طور کلی، با فراهم شدن مقدمات گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و صنعتی ایران و آلمان، از سال ۱۳۰۹ ه.ش/۱۹۳۰ م به بعد در مطبوعات آلمان مقالاتی درباره اقدامات تجددخواهانۀ رضاشاه از قبیل تشکیل ارتش برای تأمین امنیت در سراسر کشور و از بین بردن نظام خان‌خانی، به چاپ می‌رسید و از آن اقدامات ستایش می‌شد. چنانکه روزنامه پوتسدام مورخ بیست و ششم آوریل ۱۹۳۰ م/۱۳۰۹ ه.ش، از رضاشاه، به عنوان سربازی که برای امپراتوری آلمان احترام خاصی قائل است، تجلیل می‌کند و می‌افزاید که وی خواهان استحکام روابط دو کشور است و یا روزنامه شب برلین، از رضاشاه به عنوان ناپلئون ایران یاد می‌کند.<sup>۱۸</sup> اما با وجود این، در چند مورد همین

۱۶. مشفق کاظمی. روزگار و اندیشه‌ها. تهران، انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۵۰. ج ۱، ص ۱۶۹.

۱۷. مجله ایران‌شهر، سال اول، شماره سوم، ۱۳۲۱، ص ۵.

۱۸. اسناد وزارت امور خارجه ایران، پرونده ۹، کارتن ۳۱، سال ۱۳۰۴ ه.ش



مطبوعات (که بازتابنده فعالیت دانشجویان ایرانی در آلمان بودند) باعث شدند مشکلات حادی در روابط بین دو کشور ایجاد شود. از جمله این مشکلات مجله پیکار، یکی از نشریات مصمم و مؤثر بود. این مجله ارگان حزب کمونیست ایران در اروپا محسوب می‌شد که افکار و مرام کمونیستی را بین دانشجویان ایرانی تبلیغ می‌نمود. از طرف دیگر، چون محیط آلمان مساعدتر از دیگر کشورهای اروپایی بود و حزب کمونیست آلمان نفوذ زیادی داشت. کمونیستهای ایران بدین ترتیب کشور یاد شده را برای فعالیت و انتشار مجلات کمونیستی انتخاب کرده بودند. مجله پیکار را که به طور علنی مؤسسه انتشارات بخش شرقی برلین چاپ می‌شد در شرکت سهام عالی تحت شماره ۲۳۰۹۲ در برلین به ثبت رسیده بود و ناشر آن دکتر کارل ونر از اعضای حزب کمونیست آلمان بود. از طرف حزب کمونیست ایران مسئولیت مجله را مرتضی علوی، دانشجوی اعزامی ایران در رشته اقتصاد دانشگاه برلین، بر عهده داشت. از جمله افرادی که با مجله پیکار همکاری داشتند تقی ارانی دانشجوی رشته شیمی، احمد امامی، دکتر یزدی زاده، دکتر محمد بهرامی، احمد اسدی و محمد پوررضا بودند که همگی در آلمان به تحصیل اشتغال داشتند.

مجله یاد شده در میان دانشجویان ایرانی مقیم اروپا توزیع می‌شد و مقالات مندرج در آن حاوی مطالب تند بر ضد رضاشاه و حکومت استبدادی وی بود، و در مواردی نیز بعضی از شماره‌های مجله پیکار به ایران فرستاده می‌شد چنانکه رضا افشار حاکم کرمان در گزارش تلگرافی خود به دربار، اطلاع می‌دهد که شماره‌هایی از این نشریه از طریق بوشهر و کرمان به ایران وارد می‌شود.<sup>۱۹</sup> از طرف دیگر، حسین سمیعی حاکم آذربایجان در نامه‌ای به وزیر دربار، تیمورتاش، از توزیع مجله پیکار در استان مذکور خبر می‌دهد و متذکر می‌شود که جهت جلوگیری از توزیع مجدد مجله مذکور اقدامات لازم به عمل آمده است.<sup>۲۰</sup> ارسال مجله پیکار به دو استان مزبور محدود نمی‌شد و به شهرهای دیگر نیز می‌رسید، مثلاً شماره ششم آن در پستخانه تهران توقیف شد. این مکاتبات، وزارت دربار به وزارت پست و تلگراف چنین می‌نویسد:

از قرار راپورت تلگرافی ایالت کرمان روزنامه پیکار منطبعه برلن از طریق بوشهر به کرمان فرستاده می‌شود؛ متمنی است به اداره پست بوشهر تأکید نمایند که از توزیع اوراق مذکور جلوگیری و مراقبت لازمه را در این خصوص به عمل آورد.<sup>۲۱</sup>

۱۹. مرکز اسناد ریاست جمهوری، آلبوم مجله پیکار و نهضت ۹۷، سند شماره ۲۱۰۲، نمره ۱۱۷۳، مورخ ۲۰۱۱/۱۳۱۰ ه.ش.

۲۰. همانجا، آلبوم مجله پیکار و نهضت ۹۷، سند شماره ۲۲ و ۲۸، نمره ۱۷۷۵، مورخ ۱۳۱۰/۵/۱۵ ه.ش.

۲۱. اسکندر دلم، زندگی پرماجرای رضاشاه، تهران، انتشارات گلفام، بی تا، ص ۷۳۱.

مجله پیکار در اولین شماره‌های خود یک کاریکاتور از رضا شاه چاپ نمود که حاوی انتقاد شدیدی از سیاستهای اجتماعی، اقتصادی و نظامی وی بود و این مطالب خشم رضاشاه را برانگیخت و موقعیت دولت آلمان را در ایران به خطر انداخت و پس از این شماره‌ها بود که مرتضی علوی مورد خشم رژیم ایران قرار گرفت و وزارت امور خارجه ایران در این باره به وزارت خارجه آلمان اعتراض نمود و خواهان تبعید علوی شد. دولت آلمان در جواب دولت ایران اعلام کرد تا جرمی از آن نشریه سر نزنند نمی‌تواند اقدامی بکند و بی‌جهت علوی را اخراج نماید. دولت ایران از این نحوه برخورد برلن سخت ناخرسند بود و تصور می‌کرد در آلمان توطئه بزرگی بر ضد ایران در شرف تکوین است و انتشار مجله مذکور هم جزئی از این توطئه بزرگ است.<sup>۲۲</sup>

مجله پیکار، جوانان دانشجوی ایرانی مقیم آلمان و اروپا را مورد خطاب قرار می‌داد و می‌کوشید آنان را بر ضد رضا شاه تحریک کند. به همین منظور دولت ایران به دولت آلمان اعتراض کرد و خواستار تعطیل و تعقیب مسئولان مجله شد. در حالی که فشار دولت ایران بر دولت آلمان جهت متوقف کردن انتشار مجله در نهایت شدت بود، شماره بعدی مجله چاپ و توزیع شد که در آن چنین آمده بود: «در ایران ازدهایی پیدا شده که ملک و آبادی و زمین می‌خورد و هر روز کارش بلعیدن چند ده و آبادی است.»<sup>۲۳</sup> پس از درج مطالب فوق فشار دولت ایران بر دولت آلمان دو چندان شد تا جایی که دولت اخیر دستور پیگیری جدی مسئله را به پلیس آن کشور صادر نمود.

پلیس برلین در گزارش خود به وزارت خارجه آلمان سابقه مرتضی علوی را چنین برمی‌شمارد: مرتضی علوی از فعالان فرقه جمهوری انقلابی ایران است و شخصی است سوسیالیست و در کنگره سوسیال دمکراتها در بروکسل مشارکت داشته و خواستار تأسیس جمهوری ملی در کشورش می‌باشد. رئیس پلیس تأکید می‌کند که پلیس امنیتی برلین در چندین مرحله او را تحت کنترلهای متعدد قرار داده و حتی خانه‌اش را مورد تفتیش قرار داده است. بنابراین برای اخراج علوی دلیلی در دست ندارد که بتواند از تمدید گذرنامه وی امتناع کند.<sup>۲۴</sup>

دکتر فریتس گروبا مسئول بخش شرقی وزارت خارجه آلمان در گزارشی به وزیر خارجه آن کشور تأکید می‌کند که مناسبات اقتصادی آلمان با ایران در نتیجه ناخرسندی دولت ایران از انتشار نشریه پیکار در آلمان وارد مرحله بحرانی‌ای شده است.<sup>۲۵</sup> پس از ارسال این گزارش، معاون وزارت خارجه آلمان دیکهوف شخصاً در این باره با وزیر

۲۳. ویرت فن بلوشر. سفرنامه بلوشر. ترجمه کیکاوس جهاندازی. تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳، ص ۱۵۹.  
۲۴ و ۲۵. حمید احمدی. همان منبع، ص ۲۸.

داخله پروس ملاقات و گفت‌وگو نمود و از او خواست که علوی را مورد تعقیب قرار دهد و او را به محکمه بکشاند. وزارت داخلی آلمان نیز با وزارت عدلیه تماس می‌گیرد و خواستار انجام دادن خواسته‌های ایران درباره مجله بیکار می‌شود و عدلیه اعلام می‌کند تا مطلبی منتشر نشده است نمی‌تواند آن را توقیف کند.<sup>۲۶</sup> و متذکر می‌شود که تنها راه جلب علوی و کارل ونر به دادگاه استناد به ماده ۱۰۳ قانون جزای عدلیه است که مربوط به توهین به سلاطین و رؤسای ممالک خارجه می‌باشد و این در صورتی قابل اجرا است که دولت ایران نیز در این مورد دارای چنین قانونی جهت معامله به مثل باشد.<sup>۲۷</sup> دولت ایران برای حل این قضیه دکتر احمد متین دفتری را، که در مدرسه ایران و آلمان تحصیل کرده و در آلمان تحصیلاتش را به پایان رسانیده و تا اندازه‌ای هوادار آلمانیها بود، به آلمان اعزام می‌کند. متین دفتری و فرزین، وزیر مختار ایران در برلین، در گزارشهای مکرری از دربار و دولت ایران خواستند تا ماده‌های مانند ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان به تصویب مجلس شورای ملی برسانند تا عدلیه آلمان بدون ترس از حمله گروههای سوسیالیستی آلمان در مجلس و جامعه آن کشور بتواند طبق ماده مذکور و با استناد به چنین ماده‌ای در قانون ایران اقدام کند.<sup>۲۸</sup> از طرف دیگر نخست‌وزیر ایران یک نامه اعتراض به وزارت امور خارجه آلمان فرستاد که در آن تأکید شده بود که کشور آلمان به مرکز تحریکات مخالفان ملت و دولت ایران تبدیل شده است و او به مقامات دولت آلمان هشدار داد که هرچه سریع‌تر تدابیری در این مورد اتخاذ کنند.<sup>۲۹</sup> و به دنبال آن فرزین، سفیر مختار ایران در آلمان، در گزارشهای خود به طور مکرر متذکر شده که یکی از دلایل گرایش دانشجویان ایرانی به این گونه فعالیتها ناشی از فقر مالی آنان می‌باشد به طوری که مؤسسه‌ای به نام «لیگا» (این مؤسسه، که خود را حامی مظلومان جهان و حقوق بشر می‌دانست، وابسته به شوروی بود و از میان ملیتهای مهاجر در آلمان عضو می‌پذیرفت. از اقدامات این مؤسسه، تبلیغات و انتشارات ضد امپریالیستی و ضد استبدادی در میان مهاجران بود) که فعالیت کمونیستی دارد دانشجویان نیازمند ایرانی و کشورهای دیگر را جذب می‌کند و با دادن هزینه تحصیلی آنها را وادار به فعالیت بر ضد کشورشان می‌کند.<sup>۳۰</sup>

۲۶. مرکز اسناد ریاست جمهوری، آلبوم مجله بیکار و نهضت ۹۷، سند شماره ۱۲، نمره ۴۰۸.

۲۷. همانجا، همان منبع، سند شماره ۵، نمره ۲۲، مورخ ۱۳۱۰/۱/۱۱ ه.ش.

۲۸. همانجا، همان منبع، سند شماره ۴۰، نمره ۳۱، مورخ ۱۳۱۰/۱/۱۱ ه.ش.

۲۹. حمید احمدی، همان منبع، ص ۲۸.

۳۰. مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان منبع، سند شماره ۳۲، نمره ۵۰، مورخ ۱۳۱۰/۲/۲۰.

در نتیجه فشار دولت ایران چند شماره از مجله بیکار توقیف شد و علوی و دوستانش تحت نظر پلیس قرار گرفتند. حتی نیروهای پلیس ناگهان منزل کارل ونر را مورد تجسس قرار داد و چندین نسخه از شماره‌های جدید مجله بیکار و چند مجله دیگر به زبان ترکی به دست آورد،<sup>۳۱</sup> و درست در این زمان احمد امامی و برادرش عازم ایران می‌شوند و فرزین در این باره چنین به وزارت امور خارجه گزارش می‌دهد: احمد امامی به همراه برادرش عازم شده‌اند و عجالتاً با دکتر یزدی‌زاده و دکتر بهرامی. بنده نمی‌دانم چه قسم و به چه وسیله اصلح و انطباق باشد؛ هر اقدامی می‌فرمایید همین قدر زود و جدی و با نتیجه باشد. این را هم عرض کنم [باید] در نظر داشت هر یک از اینها به ایران بیایند فعلاً مجازات نشوند مبادا سبب جبن و خودداری هم‌مقدمان آنها برای رفتن به ایران شود.<sup>۳۲</sup>

سرانجام پلیس آلمان تحت فشار اتحادیه سراسری صنایع آلمان (صاحبان این صنایع دارای منافع گسترده‌ای در ایران بودند) و نشریات محافظه‌کار آلمان و وزارت داخله و خارج کشورش از موضع قبلی خود عقب‌نشینی کرد و از تمدید گذرنامه مرتضی علوی خودداری ورزید<sup>۳۳</sup> و بالاخره قرار شد که دادگاه تشکیل شود و کارل ونر و علوی محاکمه شوند. در این زمان دکتر احمد متین‌دفتری کوشش بسیاری به کار برد که مبادا در جلسه دادگاه، متهمان دست به فحاشی و هتاک‌بازند و با این کار باعث انعکاس آن در جراید اروپا شوند و این بیشتر باعث رسوایی و بزرگ شدن موضوع گردد. برای جلوگیری از چنین پیشامدی، متین‌دفتری پیشنهاد می‌نماید که:

اولاً از نقطه نظر حفظ روابط خارجی، از دولت آلمان سری بودن جلسه را بخواهند و از اشخاصی که در محاکمه سری شرکت دارند التزام بگیرند که مذاکرات سری را در جایی انتشار ندهند؛ ثانیاً رسیدگی محکمه را محدود به عنوان توهین به پادشاه ایران بکند و وارد رسیدگی به عناوین و موضوعات افتراءیه نشوند که بهانه به دست متهمین دهد که شهود خود را به محکمه آورند و اغتشاش نمایند.<sup>۳۴</sup>

با تشکیل دادگاه، مدعی‌العموم کل، دکتر میتل‌باخ، از تماشاچیان خواست که جلسه دادگاه را ترک نمایند چرا که محکمه سری است. ناگفته نماند که این رفتار به تقاضای دولت ایران صورت گرفت. در مقابل، روزنامه‌های آلمان میتل‌باخ را به خودفروشی و خوش‌خدمتی به ایران متهم کردند. سرانجام، کارل ونر به یک ماه و نیم زندان محکوم و

۳۱. همانجا، همان منبع. سند شماره ۱۷/۲، مورخ ۱۳۱۰/۳/۹.

۳۲. همانجا، همان منبع. سند شماره ۱۱، نمره ۵۰، مورخ ۱۳۱۰/۲/۲۰.

۳۳. حمید احمدی. همان منبع، ص ۲۹.

۳۴. مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان منبع. سند شماره ۱۵۰۲.



آقای امام فاضل محترم وزارت عدلیه

احمد امامی | ۱۴-۳۰-۲۴

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علوی از آلمان اخراج شد.<sup>۳۵</sup>

از طرف دیگر از مفاد اسناد چنین برمی آید که محمدحسن میرزا ولیعهد احمدشاه قاجار با مجله پیکار مربوط بوده و به آن کمک مالی می داده است.<sup>۳۶</sup> البته در خور ذکر است که کمیته جمهوری طلبان ایرانی، علاوه بر آلمان، در جاهای دیگری چون دهلی، حیف، پراگ، بروکسل، زوریخ و پاریس مشغول فعالیت بر ضد رضا شاه بودند و طبق اسناد موجود که حاکی از مکاتبه وزارت امور خارجه ایران با وزارت خارجه شوروی است در تمام موارد، ایران خواهان جلوگیری دولت شوروی از پخش مجله پیکار در

۳۵. همانجا. همان منبع. سند شماره ۴۴ و ۳۸. نمره ۲۳. ۱۳۱۰-۴-۲۱.

۳۶. همانجا. همان منبع. سند شماره ۱۵۰۲.

ترکستان و ارمنستان بوده و همچنین درخواست عدم همکاری شوروی با مجله مزبور و مسئولان آن داشته است. در پی توقیف مجله پیکار و اخراج علوی، روزنامه‌های آلمان به این رفتار دولت آلمان نسبت به مهاجران ایرانی به اعتراض پرداختند، چنانکه روزنامه در تاریخ ۳۰ مه ۱۹۳۱م/۱۳۱۰ه.ش در اعتراض به موجود نبودن

قانون و یا ماده‌ای مشابه ماده ۱۰۳ قانون مجازات دادگستری آلمان در ایران نوشت:  
 ماده ۱۰۳ قانون مجازات می‌گوید هر کسی به رئیس یک مملکت و حکومت‌کننده دولت دیگری توهین نماید محکوم به یک هفته الی دو سال حبس خواهد شد مشروط به اینکه آن حکومت همچنین معامله‌ای را نسبت به دولت آلمان تضمین و منظور کرده باشد.<sup>۳۷</sup>

روزنامه در مورخ ۳۰ مارس ۱۹۳۱م / ۱۳۱۰ه.ش در نمره ۱۳ خود نوشت:

پیکار چه تقصیر کرده است که اداره پلیس (شعبه یک) بر ضد آن چنین عملیات فوق‌العاده به کار انداخته است؟ مطالب خیلی ساده است؛ توقیف پیکار با اتکاء به یک صورت ظاهر غلطی به موجب ماده ۹۴ و ۹۸ قانون مطبوعات با ارتباط به مواد ۱۰۳ و ۴۱ قانون جزای عدلیه صورت گرفته است. متأسفانه بایستی ما آلمانها مخارج این گونه شوخیهای بی‌مورد را با مالیات خودمان بپردازیم.<sup>۳۸</sup>

روزنامه دیگر به نام برلینو تریبون در نمره ۱۹ مورخ نهم مه ۱۹۳۱م / ۱۳۱۰ه.ش خود نوشت:

در موضوع پیکار، آقایان تیرکارتین و اشتراسه در مقابل سفارت ایران یک مهارتی در خدمتگزاری نشان می‌دهند که اگر آن را خوب و به دقت ملاحظه کنیم به بدترین نوع تملق و چاپلوسی به چیز دیگری نمی‌توان تعبیر کرد؛ دوایر آلمانی به اسلوب تملق و چاپلوسی که با هیچ قانون اساسی موافقت نمی‌کند برای خاطر پادشاه خارجی احتراز نمی‌کنند از اینکه در مورد اتباع آلمان و مهمانهای خارجی که هیچ‌گاه در سیاست امور داخلی آلمان مداخله نکرده‌اند رویه ناهنجاری اعمال کنند که معمول زمان قبل از جنگ و همیشه مورد ایراد بوده است.<sup>۳۹</sup>

۳۷. همانجا، همان منبع، سند شماره ۱۸/۲، نمره ۱۲۳.

۳۸. همانجا، همان منبع، سند شماره ۱۸/۳۰، نمره ۱۷.

۳۹. همانجا، همان منبع، سند شماره ۱۹، نمره ۱۹.

روزنامه مورخ ۱۸ مه ۱۹۳۱م / ۱۳۱۰ه.ش در این باره نوشت: «جای تعجب است که یک قاضی جمهوری برحسب تقاضای وزارت خارجه آلمان در تحکیم روابط بین آلمان و ایران تا حدی سعی است که آزادی یک عده مهاجر را در اظهار عقاید خود سلب می نماید»<sup>۴۰</sup> اما هیچ یک از این جرایم نماینده دولت نبودند و بیشتر وابسته به کمونیستها بودند و سرانجام بدین نحوه قضیه مجله پیکار خاتمه یافت. از دیگر نشریات فارسی زبان آلمان می توان به موارد زیر اشاره نمود: در سال ۱۹۴۱م / ۱۳۱۰ه.ش در لایپزیک مجله ای به زبان فارسی منتشر شد که نام آن ستاره سرخ بود. این مجله خود را نشردهنده افکار کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران می خواند و ناشر آن بلاوشتاین نام داشت. ستاره سرخ به رضا شاه سخت حمله می کرد و او را مستبد و دیکتاتور می خواند و راجع به سیاست داخلی او مقاله می نوشت و آن را به باد انتقاد می گرفت. بر اثر این جریانات نظر شاه نسبت به آلمان دگرگون شد.<sup>۴۱</sup> همچنین در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۳۱م / ۱۳۱۰ه.ش در روزنامه ایونینگ استاندارد مقاله ای توهین آمیز درباره رضا شاه درج شد که در آن نویسنده مقاله، مرتضی علوی، رضا شاه را مستبد شرق خوانده بود.

به رغم تلاشهای دولت آلمان برای کنترل اوضاع، بار دیگر مسائل مطبوعاتی اوضاع روابط بین دو کشور را با مشکل روبه رو ساخت. این بار روزنامه آلمانی جزیره مورد مویخ مقاله ای جنجالی با عکسهای فراوانی تحت عنوان «شاه بی اصل و نسب» منتشر کرد و نویسنده آن شخصی بود به نام لئوماتیاس و شاه بی اصل و نسب هم از نظر وی کسی نبود جز رضا شاه پهلوی. نویسنده مقاله با بیانی تند پدر شاه را ناشناس و مادرش را زنی رختشوی معرفی می کند. نشر این مقاله واکنش شدیدی در ایران برانگیخت، بدان حد که دولت ایران تصمیم گرفت آلمانیهایی را که در قورخانه تهران مشغول به کار بودند از ایران اخراج کند، کلیه کارکنان سفارت ایران از آلمان فرا خوانده شوند و دولت ایتالیا حافظ منافع ایران در آلمان شود.<sup>۴۲</sup> درست کمی قبل از عملی شدن تصمیم دولت ایران، وزارت امور خارجه آلمان به سفارت ایران در برلین اطلاع داد که به درخواست دولت ایران دادخواستی علیه ماتیاس به دادگاه داده خواهد شد و مجله مزبور تا شش ماه حق انتشار ندارد و بدین ترتیب این مسئله حل شد.

هنوز مدت زیادی از توقیف مجله پیکار نگذشته بود که محمد فرخی یزدی سردبیر روزنامه طوفان، که در سالهای ۱۳۰۰ه.ش و بعد از آن منتشر می شد و در این روزنامه به

۴۰. همانجا، همان منبع، سند شماره ۲۰۲، نمره ۲۳.

۴۱. اسکندر دلد، همان منبع، ص ۷۳۱. ۴۲. ویرت فن بوشر، همان منبع، ص ۲۲۲.

مبارزه با تشکیل حکومت پهلوی و اقتدار رضاخانی پرداخته بود ناگزیر از ترک کشور شد. فرخی با اینکه در خارج از کشور در نهایت فقر مالی و سختی روزگار می‌گذراند ولی دست از مبارزه نکشید و از مسکو به آلمان رفت و در مجله نهضت (که در واقع جانشین پیکار محسوب می‌شد و سردبیر آن اریش رینگای آلمانی بود) به مبارزه برخاست. وی با نوشتن مقاله‌ای توهین‌آمیز در سال ۱۳۱۰ ه.ش در مجله مزبور که مرام و مسلک کمونیستی داشت باعث خشم رضاشاه گردید.

رضاشاه در اولین واکنش به مقاله مندرج در مجله نهضت دستور اخراج فوری کارکنان آلمانی شاغل در قورخانه تهران را صادر نمود. از سوی دیگر، تیمورتاش وزیر دربار، بلوشر سفیر مختار آلمان در ایران را ملاقات نمود و به او متذکر شد که:

ایران به اینکه دانشجویان خود را به آلمان بفرستد و با دست خود آنها را در معرض افکار و تمایلات انقلابی قرار دهد تمایلی ندارد و تبلیغات مارکسیستی که از برلین شروع شده مرزهای آلمان را پشت سر گذاشته و اخیراً دانشجویان ایرانی که در فرانسه تحصیل می‌کنند نیز اوراق مضربه کمونیستی دریافت داشته‌اند که از مبدأ برلین برایشان پست شده است.<sup>۴۳</sup>

در این زمینه رئیس ستاد ارتش ایران، که از اخراج آلمانیها اظهار تأسف می‌کرد، به طور خصوصی به بلوشر چنین گفته بود که:

رضاشاه قبلاً به آلمانیها نظر مساعدتری داشت و مایل بود کار عمران و آبادی ایران کلاً به دست آلمانیها صورت پذیرد اما مقالات ضد ایرانی موجب خشم و نگرانی و به سوء ظن او شده و می‌خواهد آلمانیها را کنار گذاشته و به سوندیها روی بیاورد.<sup>۴۴</sup>

سرانجام، با اعتراض شدید دولت ایران مجله مذکور تعطیل شد، اریش رینگا به سه ماه زندان محکوم گردید و فرخی یزدی نیز از آلمان اخراج شد<sup>۴۵</sup> و او با وعده‌های فریبنده تیمورتاش که در سفر فرنگ وی را ملاقات کرده بود راهی ایران شد؛ زیرا هنوز گمان می‌کرد که در میان دستگاه حکومتی وقت آدم خوب هم یافت می‌شود و این آدمهای خوب می‌توانند کاری برای مردم بکنند. هنگامی که به ایران بازگشت دولت یک بار در پی رام کردن او برآمد. این بار به او پیشنهاد کردند با شهربانی همکاری کند و زندگی آسوده‌ای داشته باشد ولی فرخی با آنکه سخت در تنگی بود به این ننگ تن در نداد و بالاخره در زندان رضاشاهی توسط پزشک احمدی به قتل رسید و بدین وسیله

۴۳ و ۴۴. اسکندر دلم. همان منبع، ص ۷۶۱.

۴۵. مرکز اسناد ریاست جمهوری. همان منبع، سند شماره ۴۱، نمره ۸۰، مورخ ۱۳۱۱/۱۲/۱.





فرخی یزدی | ۱۱۶-۴

بحران بین دو کشور، که در حقیقت بحران بین مطبوعات چپ‌گرای ایرانی منتشر شده در آلمان و شخص رضاشاه بود، به نفع شخص اخیر خاتمه یافت.<sup>۴۶</sup> بعد از حل قضیه مجله نهضت و فرخی، رضا شاه فون بلوشر را به حضور پذیرفت و به وی اظهار داشت: «مردم ایران نیز، از تمام اقشار، علاقه‌مند به آلمان هستند و به همین سبب امیدوارم که دوستی ایران و آلمان تبعات خوبی به بار آورده و نتایج موفقیت‌آمیزی داشته باشد اما باید تلاش کرد که این روابط دوستانه از کارشکنیها مبرا نگه داشته شود.»<sup>۴۷</sup> و فون بلوشر در مورد رفتار رضا شاه در مقابل نشریات مذکور چنین می‌نویسد: «رضا شاه، گاه و بیگاه دچار مالیخولیا شده و مشکلاتی بر سر راه روابط ایران و آلمان

۴۶. محمد گلین و یوسف شریفی. محاکمه محاکمه‌گران. تهران، انتشارات عدالت، ص ۱۷۳.

۴۷. اسکندر دلد، همان منبع، ص ۷۶۴.

فراهم می‌آورد.<sup>۴۸</sup>

به هر حال، این روزنامه‌ها و مجلات موقعیت و وضع تاکتیکی را از هر جهت برای آلمان نامساعد کرده بودند و شاه می‌توانست هر لحظه که بخواهد یکصدتن از کارشناسان آلمانی را، که حقوق گزاف می‌گرفتند، از خدمت مرخص کند. می‌توانست با بستن مدرسه آلمانی ضربه‌ای کاری به نفوذ فرهنگی آلمان در ایران وارد سازد و همچنین موانع غیرقابل عبوری در پیش پای بازرگانان آلمانی قرار دهد، و نیز این قدرت را داشت که پانصد دانشجویی را که با دادن کمک خرج به اروپا می‌فرستاد از رفتن به آلمان بازدارد؛ اما آلمان برای خشتی کردن این اقدامات هیچ وسیله‌ای در دست نداشت و اگر در زمینه بازرگانی اقداماتی انجام می‌داد ضررش متوجه هر دو کشور بود.

ویپرت فون بلوشر در مورد تأثیر نثریات مذکور در روابط دو کشور می‌نویسد:

از خود پنهان نداشتیم که وضع آلمان در ایران در هنگام شروع فعالیت من مستحکم‌تر از هنگام ترک خدمت من بود چرا که در این موقعیت یکی از مراکز مهم و حساس این طراز نامه [ترازنامه] یعنی وضع مادر بانک ملی ایران<sup>۴۹</sup> از دست رفته بود. گناه اصلی در این مورد بر عهده مدیران نادرست آلمانی بود؛ اما روزنامه‌نگارانی هم که از آلمان، شاه [ایران] را مورد حمله قرار می‌دادند در این بلیه سهمی داشتند... در برخی از آن لحظات احساس می‌شد و چنین به نظر می‌رسید که باید فاتحه فعالیت آلمانیها را در ایران - لااقل برای مدتی غیرقابل پیش‌بینی - خواند.<sup>۵۰</sup>

اما، به علت روابط متقابل اقتصادی در بخش اقتصاد و اهمیت استراتژی ایران برای آلمان این روابط چندان به سردی و تیرگی نگرایید، و با روی کار آمدن هیتلر در آلمان و جلوگیری از فعالیت کمونیستها در آن کشور روابط ایران و آلمان وارد مرحله جدیدی شد و مشکلات قبلی از میان رفت.

پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۴۸. همان منبع، ص ۷۵۸.

۴۹. بانک ملی ایران بر اساس مصوبه اردیبهشت ۱۳۰۶ ه. ش مجلس شورای ملی در شهریور ماه ۱۳۰۷ ه. ش به عنوان اولین بانک تجاری ایران آغاز به کار کرد. سرمایه بانک به موجب اساسنامه مصوب هیئت وزیران معادل دو میلیون تومان تعیین گردید. بانک مذکور به کمک کارشناسان آلمان و به سرپرستی لیتدن بلات آلمانی اداره می‌شد؛ اما بعدها با بازرسی‌ای که حسینعلی نواب از طرف رئیس نظارت بانک به عمل آورد معلوم شد که بانک اعتبارات بی‌محلای داده و حتی مدیران بانک در بیان آن دست برده‌اند. در نتیجه این تحقیقات، لیتدن بلات و فوگل آلمانی زیر سؤال رفتند و فوگل (معاون لیتدن) به علت نداشتن جواب قانع‌کننده به لبنان فرار کرد و در آنجا خودکشی نمود. لیتدن نیز از کار برکنار و در ایران محاکمه و به هجده ماه زندان و پرداخت جریمه نقدی محکوم شد و بدین ترتیب بر نفوذ مالی و سیاسی آلمان در ایران ضرباتی وارد شد.

۵۰. ویپرت فون بلوشر. همان منبع، ص ۳۲۶.